

گل صد برگِ باغِ مرتضوی

نگاهی به «کلمات علیّه غراً»

علی اکبر احمدی دارانی

نگاهی گذرا به میراث مکتوبی که امروزه با نام علی (ع) در دسترس ما است، به خوبی آشکار می‌سازد که سخن علی (ع) به لحاظ لفظ و محتوا در سطح و درجه‌ای والا قرار دارد. «در گفتار او رنگی از علم خدا است و بوی از گفتار مصطفی (ص)». ^۱ بی‌گمان آنچه به سخن علی (ع) چنین درجه و رنگ و بوی بخشیده است، آشنایی و نزدیکی وی از دوران کودکی، نوجوانی و جوانی با کلام وحی و رسول اکرم (ص) بوده است. آن هنگام که نخستین ضرباهنگ‌های وحیانی گوش جان محمد (ص) را نوازش می‌داد، علی (ع) از نزدیک‌ترین یاران وی به شمار می‌آمد. ^۲

در لابه‌لای کتاب نهج البلاغه که حاوی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار علی (ع) است، گاهی به شعر شاعران آن روزگار تمثیل شده است. ^۳ همین مطلب آشنایی کامل علی (ع) را با ادبیات شعری پیش از خود به اثبات می‌رساند تا چه رسد به این که دیوان اشعار منسوب به وی را نیز در نظر آوریم. ^۴

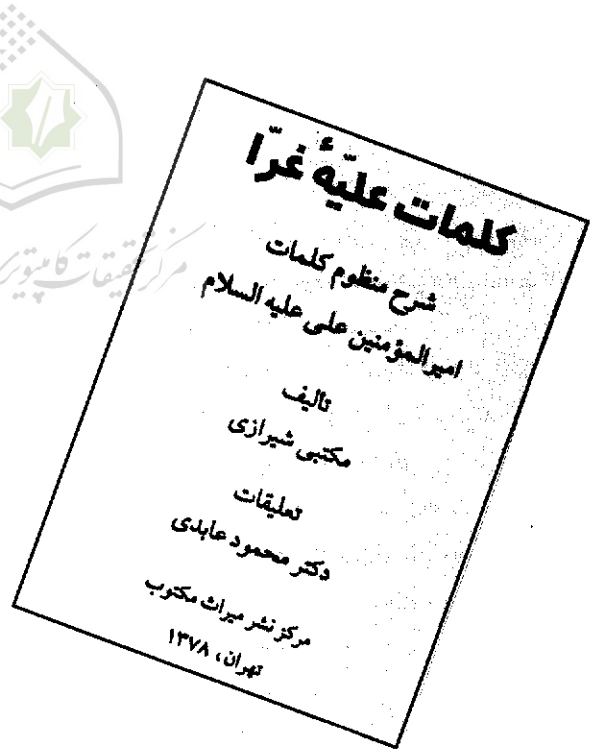
۱. نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ پنجم ۱۳۷۳، مقدمه کت.

۲. همان، ص ۲۲۲-۲۲۳.

۳. همان، ص ۳۴۹-۴۰۶، ۳۱۱ و ...

۴. ر. ک: دیوان امام علی علیه السلام، تألیف قطب الدین ابوالحسن محمد بن الحسین بن الحسن بیهقی نیشابوری کیدری، تصحیح ترجمه مقدمه، اضافات و تعلیقات: دکتر ابوالقاسم امامی، انتشارات اسوه، چاپ اوّل ۱۳۷۳؛ همچنین بنگرید به: شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی

<



کلمات علیّه غراً (شرح منظوم کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام). تألیف مکتبی شیرازی. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمود عابدی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.



است. «(کلمات علیّه غرّاً، ص ۲۶)

مصحح محترم به علت دستیابی به دستنوشته ای از این کتاب، همان نسخه چاپی پیشگفته، یعنی نسخه ای که به سال ۱۳۱۳ به همت کوهی کرمانی نشر یافته است، ملاک کار قرار داده است، (ص ۳۶) و کاری شبیه به کار مرحوم یزدگردی بر روی کتاب *نفثة المصذور* صورت داده است؛ یعنی ویرایش و بازخوانی دوباره متن. «ما، تا آن جا که ممکن بود اغلاط متن را، که گاهی هم چاپی بود در جای خود نشان داده ایم و صورت صحیح را وارد متن کرده ایم همه جا (؟) نشانه ابهام و [] نشانه افزوده ماست.» (ص ۳۶)

آگاهان به چند و چون تصحیح دستنوشته ها می دانند که ترجیح یک ضبط بر ضبط های دیگر حتی در مواقعی که چند نسخه قابل اعتماد از یک کتاب در دست داریم، محل تأمل فراوان است. نگاهی به متن ویراسته شده کلمات علیّه نشان می دهد که مصحح محترم تنها به ویرایش و بازخوانی و تصحیح اغلاط متن که «گاهی هم چاپی» بوده اند، دست نزده است، بلکه در برخی موارد فراتر رفته و ضبط هایی را بنا بر حدس و گمان و با تکیه بر شعرشناسی خویش وارد متن کرده است که با توجه به قرائن داخل متن می توان آن را از مقوله اجتهاد در برابر نصّ نامید. به برخی از این موارد اشاره می کنیم.

ب ۳۴:

ره دو شد در میان دشت سیاه
همچو در نیمه شب سپید و ماه

>

بن ابی طالب - علیهما السلام - قاضی کمال الدین میرحسین بن معین الدین میبدی یزدی، مقدمه و تصحیح حسن رحمانی و سید ابراهیم اشک شیرین، تهران میراث مکتوب ۱۳۷۸.

۵. *نوح البلاغه*، ص ۴۴۲.

۶. *تأثیر بند پارسی بر ادب عرب*، دکتر عیسی العاکوب. ترجمه عبدالله شریفی خجسته، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۴ ص ۱۶۸.

۷. ر. ک: *بهار و ادب فارسی*، به کوشش محمد گلین، جلد اول، ص ۲۰۲ - ۲۰۵.

۸. دکتر عابدی، مطالبی در معرفی این اثر به صورت جداگانه نگاشته اند؛ ر. ک: *آینه میراث*، سال دوم، شماره ۳ و ۴، زمستان ۷۸ و بهار ۷۹، ص ۴۱-۴۵.

۹. بنگرید به: تصحیح روشمند و پاکیزه ایشان از «نفحات الانس» جامی، انتشارات اطلاعات.

۱۰. مکتبی خود به این نکته در خاتمه کتاب اشاره کرده است:

از دم من شکفته شد به نوبی

گل صد برگ باغ مرتضوی

(ب ۱۱۷۰)

۱۱. از امین الاسلام شیخ طبرسی مفسر بزرگ شیعه.

سخنی از آن حضرت در پاسخ به پرسشی راجع به بهترین شاعران نقل گردیده که نشان دهنده نظر گاه علی (ع) در این مقوله است و هنوز هم بخش اول این سخن مطلبی کاملاً جدی و پذیرفتنی در مباحث نقد ادبی است: «[و از او پرسیدند بهترین شاعران کیست؟ فرمود:] شاعران در میدانی نتاخته اند که آن را نهایی بود و خط پایانش شناخته شود، و اگر در این باره داوری کردن باید، پادشاه گمراه را این لقب شاید (امرء القیس مقصود اوست).»^۵

ادبیات فارسی به گونه ای بنیادین تحت تأثیر قرآن، حدیث ها و روایت ها است و در این میان سخن علی (ع) نیز از تأثیر گذارترین سخن ها در ادبیات کهنسال فارسی بوده است. «و پس از رسول - علیه الصلاة والسلام - علی برجسته ترین چهره حکیمان اسلام است.»^۶

از روزگاران گذشته تاکنون مجموعه هایی از سخنان علی (ع) به همت افراد گوناگون فراهم آمده و به این وسیله، آن سخنان مجال بیش تری برای ظهور و بروز یافته اند.

یکی از این مجموعه ها «کلمات علیّه غرّاً» است که شرح منظوم کلمات امیر المؤمنین علی - علیه السلام - تألیف و سروده مکتبی شیرازی است. در میان آشنایان با ادبیات فارسی شهرت مکتبی شیرازی (در گذشته پس از ۸۹۵ هـ. ق) بیش تر به خاطر لیلی و مجنونی است که به تقلید از نظامی سروده است. گویا وی خمسه ای نیز به پیروی از نظامی به نظم آورده که امروزه از آن بی خبریم؛ حتی صحت انتساب این اثر به مکتبی مورد تردید محققان قرار گرفته است.^۷

«کلمات علیّه غرّاً» تألیف و سروده مکتبی شیرازی به تازگی با مقدمه و تصحیح و تعلیقات جناب آقای دکتر محمود عابدی از سوی مرکز نشر میراث مکتوب به چاپ رسیده است.^۸ پیش تر این اثر به سال ۱۳۱۳ به تصحیح کوهی کرمانی همراه مقدمه ای از ملک الشعرا ی بهار انتشار یافته بود. چاپ و نشر مجدد این اثر کاری است ستودنی، آن هم به سعی و اهتمام استاد ارجمند دکتر محمود عابدی که هم ادبیات قرن نهم را به خوبی می شناسند^۹ و هم کتاب هایی چون «مطلوب کل طالب» رشید و طواط و «خرندمای جان افروز» ابوالفضل مستوفی را که موضوعی همانند کلمات علیّه دارند، به چاپ رسانده اند.

«شاعر، مکتبی شیرازی، صد کلمه^{۱۰} از نثر اللثالی^{۱۱} را برگزیده و پس از ترجمه هر سخن در چند بیت با حکایتی منظوم آن را شرح کرده است. این رساله با صورتی که اکنون در اختیار ما است، شامل ۷۰ کلمه (=سخن) و ۱۱۸۵ بیت است و آشکارا پیداست که از آن بخش هایی، از جمله مقدمه آن، ساقط شده

ضبط نسخه چاپی «سفیده ماه» است که با توجه به معنای بیت ارجح به نظر می‌رسد. در میان دشت سیاه دو راه پدیدار شد؛ همان گونه که در نیمه شب سفیده ماه دو تکه شود. (منظور نورانی بودن و مشخص بودن آن دو راه از یکدیگر است) و گرنه با در نظر گرفتن ترکیب «نیمه شب» چگونه می‌تواند صحبت از «سپیده» در میان باشد.

ب ۴۱:

صیقل یاد مرگ چون جوشن
کند آئینه دلست روشن

در نسخه چاپی به جای «کند»، «دارد» آمده که مصحح محترم به جای آن «کند» را وارد متن نموده‌اند. احتمال تصحیف یا تحریف بین این دو واژه بسیار ضعیف است و ضبط نسخه چاپی بی‌اشکال.

ب ۴۵:

خسروی وقت رفتن بستان
گذر افکند سوی گورستان
دید دیوانه هیأتی هشیار
خانه‌ای ساخته ز سنگ مزار

به جای «گذر» در متن چاپی «نظر» بوده است. توجه به فعل «دید» در آغاز بیت دوم مشخص می‌کند که منظور این گونه بوده: خسروی هنگام رفتن به بستان نظری هم به گورستان افکند و دید که ...

ب ۲۶۸:

مرد دانا ز قول دلاله
خنده‌ای زد چو غنچه بر لاله

در نسخه چاپی «غنچه لاله» بوده است؛ اما مصحح محترم «غنچه بر لاله» را ترجیح داده‌اند که مشبه به مرکبی است. در صورتی این وجه برگزیده طبیعی به نظر می‌آید که مشبه نیز مرکب باشد؛ در حالی که قصد شاعر فقط بیان خندیدن «مرد دانا» است.

ب ۲۷۴:

هر که قانع شود به اندک و بیش
پیش او پادشاه بود درویش

در نسخه چاپی «اندک خویش» ضبط شده. توجه به معنای بیت این نکته را روشن می‌سازد که سخن از «قانع» بودن است. هر که به [مال] اندک خویش قانع شود، پادشاه که مظهر ثروت و مکانت است در مقابل او همانند درویش است. قانع بودن برای [مال] کم، مصداق پیدا می‌کند و گرنه برای «بیش» بی‌معنا است.

ب ۳۵۵:

پیر از افتادگی کجا خیزد
چون خزان زرد شد فرو ریزد

در نسخه چاپی به جای «پیر»، «برگ» بوده است که مصحح محترم با وارد کردن کلمه «پیر» رابطه معنایی بین دو مصرع را قطع نموده است.

ب ۶۰۰:

هست امید کسی جراحی نفس
که به نومیدی است راحت نفس

به جای «کسی» در نسخه چاپی «کسان» بوده که بی‌اشکال است.

ب ۶۸۱:

چون گلوی تنور گیرد خار
آب جای دگر رود ناچار

به جای «تنور» در نسخه چاپی «تنوره» آمده که ارجح است و با آسیا و گندم که در بیت‌های پیش تر از این بیت آمده تناسب بیش تری دارد:

آسیاوار گر به گردابی
جود می‌کن به هر که می‌یابی
هر چه یابی نهان مخور چو خسان
حصه‌ای هم به دیگران برسان
زان دو نیمه است دانه گندم
که یکی خود خورد یکی مردم
چون گلوی تنوره گیرد خار
آب جای دگر رود ناچار
(ب ۶۷۸-۸۱)

در لغتنامه دهخدا نیز مدخلی با نام «تنوره آسیا» وجود دارد که این گونه شرح شده است: «برج بلندی است که از آهک و سنگ سازند و سرش دراز باشد و مشرف بر آب بود و در ته آن منفذی بود و آب در آن جمع شود و بر پره آسیا که از چوب می‌باشد می‌زند و آسیا را به گردش درمی‌آورد.»^{۱۲}

ب ۷۸۴:

چون که کشتی سه ماه راه برید
به سربیک جزیره‌ای برسید

به جای «به سربیک» در نسخه چاپی «به کنار» ضبط شده که بی‌اشکال است.

ب ۷۸۵:

۱۲. لغتنامه دهخدا، ذیل تنوره آسیا.

چون گذارم که در عذاب بود

گر بیرون آرمش صواب بود

توجه به معنای بیت و تقابل «عذاب» و «صواب» که هر دو هم، قافیه هستند، این گونه به ذهن متبادر می‌کند که «ثواب» صحیح تر است نه «صواب» و امکان تصحیف و تحریف بین این دو کلمه وجود داشته است.

ب ۹۰۲:

جامه‌ای در برش چو برگ خزان

که به بادی زهم شده ریزان

در نسخه چاپی «شدی» ضبط گردیده که بهتر است. «شدی» به معنای «می شد». شاعر برای بیان فرسودگی جامه آن را به برگ خزان زده تشبیه کرده که در اثر وزیدن بادی از هم ریزان می‌شده نه این که «شده» باشد.

ب ۹۱۶:

عاقبت گشت شاهیش روزی

یافت آن دولت شب‌اروزی

باید «شب‌اروزی» بوده باشد. گویا ناپرداختگی چاپی است.

ب ۹۴۷:

هر که او را شکستگی کمتر

در بقای وجود محکم‌تر

در نسخه چاپی به جای «او را»، «را او» آمده؛ یعنی مصرع اول به این صورت بوده: «هر که را او شکستگی کمتر». توجه به «را»ی فک اضافه همین وجه اخیر را به صواب نزدیک تر می‌گرداند.

مقدمه مصحح با عنوان «پیش از مکتبی» آغاز می‌شود که در آن به نمونه‌هایی از تأثیر معارف اسلامی بر ادبیات فارسی اشاره گردیده است. (ص ۱۱-۱۸) بهتر بود این بخش در جای دیگر - شاید در آخر مقدمه - درج می‌گردید و جایگاه نیکوتری می‌یافت. در همین مقدمه، مصحح محترم هنگام اشاره به ترجمه‌های منظوم از سخنان علی (ع) به روشنایی نامه منسوب به ناصر خسرو التفاتی می‌نماید و با استناد به ابیتی از آن، شاعر آن شعرها را «بختیاری» نامی می‌داند.

«بر اوراق زمان شد یادگاری

مگر تو کاربندی بختیاری»

«و با توجه به همین بیت پایانی به نظر می‌رسد که گوینده آن شاعری با نام بختیاری باشد». (ص ۱۷) مصحح محترم همین حدس و استدلال خویش را در بخش تعلیقات (ص ۱۲۳) محرز گرفته و به صراحت شاعر این بیت‌ها را «بختیاری» دانسته‌اند! توجه به بیت‌های پیشین و معنای آنها، حدس مصحح محترم

را منتفی می‌سازد.

... ندانم کس چنین اسرار گفتست

ندانم کین چنین گوهر که سفتست

مدار این موعظت را خوار و آسان

که در وی درج کردم صورت جان

اگر زو کاربندی و کنی یاد

یقین شد خانه جان تو آباد

بر اوراق زمان شد یادگاری

مگر تو کاربندی بختیاری^{۱۳}

شاعر این ابیات در صدد موعظت به دیگران بوده است. اگر معنای مورد نظر مصحح محترم را صحیح بدانیم، چنین خواهد شد که شاعر این همه خوانندگان یا شنوندگانی را مورد خطاب قرار داده و در آخر خودش را - آن هم با قیید «مگر» - ملزم به رعایت این موعظت‌ها نموده است!

گذشته از اینها مصحح محترم در مقدمه و تعلیقات حق مطلب را به خوبی ادا کرده‌اند؛ از جمله برای رفع هرگونه شک و شبهه از انتساب «کلمات علیّه غرّاً» به مکتبی با «بررسی برخی از خاصه‌های لفظی و عناصر فرهنگی محدود شده» به مقایسه و تطبیق این اثر و لیلی و مجنون که بی‌گمان اثری از مکتبی شیرازی است، پرداخته و با این روش به مشترک بودن زبان این دو مثنوی صحّه گذاشته‌اند. (ص ۲۹-۳۴)

مصحح محترم در بخش تعلیقات با بهره‌گیری از ابیتی از «کلمات علیّه» توضیحی در خور توجه راجع به ریشه کلمه «عینک» و سابقه کاربرد آن در متون گذشته آورده‌اند که بسیار خواندنی است. (ص ۱۱۹-۱۲۰) همچنین با استناد به ابیتی دیگر و جهی پذیرفتنی برای بیت معروف حافظ، یعنی:

هر کو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز

نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد

ارائه نموده‌اند. (ص ۱۴۲-۱۴۳)



۱۳. سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، به انضمام روشنایی نامه و سعادت نامه، به تصحیح م. غنی زاده. انتشارات منوچهری، چاپ اول، آبان ۱۳۷۲، ص ۱۵۳.